

دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی از جزئیات و علت انتخاب دانشگاه تهران برای رویداد «پیشگامان رهایی» می‌گوید

دانشگاه باید محل پرداختن به مسائل واقعی باشد

فرهنگستان

دانشگاه

شنبه اول آذر ۱۴۰۴ | شماره ۴۵۳۲ | WWW.FDN.IR

هشدار مدیرعامل گوگل نسبت به خطر فروکش کردن تب جهانی AI چه پیامی دارد؟

حباب نفس‌گیر هوش مصنوعی



هشدار مدیرعامل گوگل نسبت به خطر فروکش کردن تب جهانی AI چه پیامی دارد؟

حباب نفس‌گیر هوش مصنوعی



علی محمادی
محرران

جهان فناوری در لحظه‌ای ایستاده که میان امید و هراس تاب می‌خورد. دوره‌ای استرس‌زا که مدیران غول‌های سیلیکون‌ولی، حتی در اوج رونق بی‌سابقه هوش مصنوعی (AI)، می‌چورند در باره شکستدگی همین رونق هشدار بدهند. ساندار پِیجای، مدیرعامل آلفابت در گفت‌وگویی اختصاصی با بی‌بی‌سی، با لحنی کم‌سابقه از «نوسان‌های خطرناک» و امکان ترکیدن حباب هوش مصنوعی سخن گفته؛ حرفی که از زبان رهبر شرکت مادر گوگل، بیشتر شبیه زنگ بیدارباش است تا پیش‌بینی. حرف‌های او اما تئوری نیست. او با صراحت می‌گوید اگر این حباب بترکد «هیچ شرکتی مصون نمی‌ماند» و موج سقوط می‌تواند همه، از استارت‌آپ‌های نوپا تا بازیگران پر قدرت و کهنه‌کار را بخورد. این هشدار زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم گوگل برای تغذیه اشتهای سیری‌ناپذیر مراکز داده خود، دست‌به‌دام انرژی هسته‌ای شده و در حال خرید رآکتورهای کوچک مدولار موسوم به SMR است؛ قمارری سنگین که نشان می‌دهد هزینه ماندن و حفظ برتری در این رقابت چقدر بالا رفته. در میان تاریکی کلاش اما مدیرعامل آلفابت، خود این دوره را «بزرگ‌تر از ظهور اینترنت و تلفن همراه» برای فناوری می‌داند که مرزهای تازه‌ای در پژوهش، محاسبات و بهره‌وری گشوده، هرچند چیب سرمایه‌گذاران را هم تا مرز بی‌قرارکننده سبک کرده. او اذعان می‌کند در میان این همه شتاب و سرمایه‌گذاری، «عناصر غیرعقلانی» هم وجود دارد. عناصری از جنس همان‌هایی که در اواخر دهه ۹۰، دات‌کام را از یک انقلاب زیرساختی به یک تب جمعی تبدیل کرد. به زبان دیگر، صنعت امروز شاید در حال تکرار همان چرخه آتسنا باشد؛ شور بیش از اندازه، سرمایه‌گذاری بیش از تحمل و بعد، سقوطی که تنها آن‌هایی را که جای ایمنی ایستاده‌اند، باقی می‌گذارد. اما چالش مدنظر او فقط بازار نیست. سایه سنگین وزارت دادگستری آمریکا و تهدید به تجزیه گوگل، بر سسر امپراتوری آلفابت سنگینی می‌کند. در این تلاطم، پیجای در حالی باید از زیست‌بوم وب دفاع کند که بسیاری معتقدند پاسخ‌های آماده هوش مصنوعی، ترافیک تارنماهای اینترنتی را به چالش می‌کشد. با این‌همه، پیام اصلی او نه دعوت به ترس که یادآوری یک تجربه تاریخی است. اینکه دات‌کام فرو ریخت؛ اما اینترنت ماند و جهان را شکل داد. او این قیاس را تنها برای هشدار دادن بیان نمی‌کند، بلکه برای این است که به یاد بیاوریم همیشه میان تب و تحول، فاصله‌ای وجود دارد و آنچه از دل تب بیرون می‌آید، معمولاً مهم‌تر از لحظه انفجار و فروپاشی است.

همین دوگانگی، نقطه اتصال ما با بحث بزرگ‌تری است که امروز بار

کارت خودرو سواری ریو مدل ۱۳۸۴ رنگ:

سفید شیری روغنی شماره انتظامی: ۱۳۰ ۵۷۵

ایران ۷۷ شماره موتور ۰۱۰۲۲۱۹۹ شماره شاسی

۰۲۲۶۱۱۰۳۹۱۲ NAS۶۱۰۰ به نام خانم فاطمه

صناعی با کد ملی ۰۵۷۰۸۱۴۳۴۰۵۷ مفقود گردیده

و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دیگر در اقتصاد جهانی جریان دارد؛ آیا هوش مصنوعی در میانه یک حباب ایستاده یا در مسیر ساخت زیرساخت‌های قرن آینده حرکت می‌کند؟ پاسخ، شاید همچون تاریخ حباب‌ها، ساده نباشد. اما نگاهی به گذشته نشان می‌دهد آنچه می‌ماند، همیشه از آنچه می‌ترکد پایدارتر است. مقاله بازگردان‌شده زیر از تارنمای مجمع جهانی اقتصاد [همان جایی که رهبران سیاسی، فناوری و مالی جهان جمع می‌شوند و از مهم‌ترین موضوعات فعلی سخن می‌گویند] به همین موضوع می‌پردازد. پیش از اطلاع کلام، آنچه درباره آینده می‌گویند در برابر دیدگان خواننده فروخته قرار می‌گیرد.

■ ■ ■

در سپیده‌دم تب‌وتاب دات‌کام و آغاز هزاره، سهام‌چین سبلیری و خوش اقبال بازار که جهش تاریخی سهام را پیش‌بینی کرده بود، هنوز نمی‌فهمید چرا سخن گفتن از ارزش‌گذاری‌های «بی‌سابقه» باید با پیشگویی شومی همراه شود. با بی‌اعتنایی پرسید: «اگر چنین وضعی هیچ‌گاه رخ ندهاد، از کجا معلوم پایانش تلخ باشد؟» چند ماه بعد، آن پایان تلخ فرارسید. اصلاح بازار، خوش‌بینی باکرده سهام اینترنتی‌ها را شکافت و ده‌ها هزار شغل دود شد و رفت. با این حال، استارت‌آپ کوچکی به نام گوگل سر پا ماند؛ حتی در ۲۰۰۴ عرضه اولیه انجام داد، هرچند با دامنه قیمتی پایین‌تر. آمازون که تا دیروز صرفاً یک کتابفروشی آنلاین بود، پس از سقوط سهم، راهش را به قلمروی رایانش ابری گنج کرد. مایکروسافت نیز به‌عنوان بخشی از روندی ۱۴ساله برای بازسازی ارزش پس از ترکیدن حباب، به حوزه فضای ابری قدم گذاشت. در چند سال اخیر، این سه شرکت جمعاً حدود پنج تریلیون دلار بر ارزش بازار جهانی افزوده‌اند. با این روند، انتظاری طبیعی شکل گرفت که این شرکت‌ها باید پیش‌قراول مرحله آینده جهش فناوری باشند؛ مرحله‌ای که در آن، غبار هیاهوی هوش مصنوعی کنار می‌رود و واقعیت سخت زیرساخت‌ها رخ می‌نماید. در عصر دات‌کام، «بی‌سابقه» بودن در قیمت‌سهام خلاصه می‌شد. امروز اما منظور از بی‌سابقه، حجم پولی است که روانه زیرساخت‌های فیزیکی هوش مصنوعی می‌شود، زیرساختی از قبیل مراکز داده و ماشین‌هایی که طرح‌های میکروسکوپی روی نیمه‌رساناها حک می‌کنند؛ هزینه‌هایی غیر متعارف و وعده‌هایی شاید همان‌قدر نامتعارف در پژوهش و بهره‌وری.

این سطح از بی‌سابقه‌بودن نوعی اضطراب جمعی ساخت. همان‌سهم‌چین نامدار بازار می‌گفت اگر این شرایط بی‌سابقه است، پایانش هم نمی‌توان حدس زد. آیا تونیدیا، سازنده تراشه‌هایی که موتور فعالیت مدل‌های هوش مصنوعی هستند، می‌تواند همچنان ارزشی فراتر از کل بازار سهام بسیاری از کشورها داشته باشد؟ گزارش تازه حکایت از آن دارد که این شرکت اکنون عملاً پولی بیش از اندازه در اختیار دارد. کلیدواژه «حباب هوش مصنوعی» در جریان یکی از برنامه‌های وابسته به مجمع جهانی اقتصاد، به داغ‌ترین موضوع مورد بحث بدل شد، پررنگ‌تر از «سقوط هوش مصنوعی» و البته ملائم‌تر از «تسو به حساب هوش مصنوعی». در میان تئریایی که درباره این موضوع در مجمع جهانی اقتصاد مطرح شده «درو سیلیکون بر لبه چرخش ایستاده» یا در اشاره به نیاز انرژی سیری‌ناپذیر این فناوری «ماه باید یک کامپیوتر باشد» نیز قابل توجه بودند.

قله‌های توجه به حباب هوش مصنوعی با رویدادهای بر سروصدا خیری گره‌خورده‌اند. مدیرعامل یایلو (غول مرورگر چین) در اکتبر ۲۰۲۴ این وضعیت را با دوران دات‌کام سنجید. ری دالیو (سرمایه‌گذار مشهوری که بحران مالی جهانی را پیش‌بینی کرده بود) نیز در ژانویه، شباهت‌هایی میان

تب‌وتاب هوش مصنوعی و آن سال‌ها یافت. کتاب The AI Con [فریب هوش مصنوعی] که در ژوئن منتشر شد، از همان عنوانش پیام را آشکار کرد. نهایتاً وقتی سم آلتمن در ماه اوت از آغاز یک حباب سخن گفت، دیگر کسی تعجب نکرد. با این‌همه برخی معتقدند واژه «حباب» مسئله را دقیق توصیف نمی‌کند. اقتصاددان ارشد آلیاتس در مقاله‌ای که اخیراً منتشر کرده، گفته شاید عبارت «رونق متکی بر مانی» تعبیر درست‌تری باشد. درست است که ارقام سرمایه‌گذاری حیرت‌آورد و از چیب گروهی محدود خرج می‌شوند، اما یکی از شاخص‌های اصلی یعنی نسبت پولی که مردم حاضرند برای این شرکت‌ها بپردازند به سودهای بالقوه آینده، هنوز بسیار پایین‌تر از نسبت‌های دوران دات‌کام است. ریسک، فشرده و متمرکز است؛ اما اثراتش می‌تواند گسترده باشد. اگر همین جمع کوچک که بار نوآوری واقعی را به دوش می‌کشد، کم بیازد، سرمایه‌گذاران ثروتمندشان، سهام خود را با ضرر می‌فروشند و احساس فقر می‌کنند همین احساس می‌تواند سسایه‌ای بر مصرف‌گرایی این صنعت بیندازد که عامل رشد آن بوده. میل به گل‌های کمیاب هم روزگاری ریسکی مشابه آفرید. در ۱۶۳۷، تب لاله میان کلکسیونرهای ثروتمند هلند فرو ریخت. تب موقت در ثروتمندترین کشور آن زمان، بهای برخی پیاذهای لاله را از قیمت یک خانه شهری هم بالاتر برده بود. خریداران برای نمایش شسآن خود سراغ این کالا می‌رفتند. همیشه کسی بود که کمی بیشتر بپردازد؛ در یک لحظه، دیگر حتی یک خریدار هم برای آن نبود. با این حال، ماجرا شاید آن‌قدرها هم فاجعه‌آمیز نبود که در حافظه جمعی حک شده. پژوهشگری که آرشیه‌های هلند را زیرسور کرده، می‌گوید تنها چند ده نفر بیش از ۳۰۰ کیلدی برای یک پیاز لاله پرداختند؛ معادل درآمد یک استادکار در یک‌سال، نه قیمت یک خانه شهری. ترکیدن حباب نیز بیشتر به همان جمع کوچک ثروتمندان محدود ماند. یکی دو قرن بعد، کتابی پرفروش روایت تیره‌تری ساخت. تصویری از جامعه هلند را تثبیت کرد که گوئی در تب لاله تا مرز فروپاشی پیش رفته بود. از آن‌پس، هر رونق سسرمایه‌گذاری ناگزیر به مقایسه‌ای تازه با آن وضعیت هلند بدل شد. این قیاس‌ها گاه حال‌وهوای افسانه‌های گریم را پیدا می‌کند، چون تلاشی هستند برای کاشتن ترسی سالم از چیزهایی که زیادی خوب به نظر می‌رسند، میان کسانی که هر پدیده شبه‌حبابی را به دیده تردید می‌نگرند و کارهایی از این‌دست می‌کنند. مقایسه سهام آتونیدیا با پیاز گل لاله در قرن هفدهم نیز از این‌دست است. دلایل بدبینی هم دردناک‌تر از آتند که پنهان بمانند. خستگی ناشی از هوش مصنوعی، برآمده از این حس که وقت بیشتری صرف الک‌کردن ابزارهای بهره‌وری جدید می‌شود تا صبره‌جویی کاملاً واقعی است. برای بسیاری بزرگ‌ترین «تغییر کار» تا امروز زمانی است که باید صرف پاک‌سازی خروجی‌های اوتوماتیک و شلخته شود. در همین حین، شرکت‌ها بدهی بیشتری بالا می‌آورند تا در خط مقدم هوش مصنوعی بمانند. ماجرا فقط مربوط به سرمایه‌گذاران سنگین‌وزنی چون صندوق‌های بازنشستگی نیست، حتی اگر حلقه مرکزی شرکت‌های بزرگ از انفجار حباب بعدی جان سالم به در ببرد، لایه‌های گسترده‌تری از شرکت‌های کوچک‌تر، سهام‌داران و معیشت‌ها احتمالاً نابود می‌شوند. مراکز داده خاموش می‌توانند پاساژهای متروک عصر جدید باشند. شایسته یادآوری است که انتقال گسترده خریدکردن مردم از پاساژها به اینترنت، همان بخش واقعی هیاهوی دات‌کام بود. چه بسیار خیال‌بافی‌ها و شرکت‌هایی که از میان رفتند؛ اما زندگی آن‌لایم‌ها گسترده‌تر شد. شاید همان فرایند تقطیرگونه در مورد هوش مصنوعی هم تکرار شود. هیچ حبابی شبیه دیگری نیست. آنچه می‌ماند، همیشه مهم‌تر از لحظه ترکیدن است.

دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی از جزئیات و علت انتخاب دانشگاه تهران برای رویداد «پیشگامان رهایی» می‌گوید

دانشگاه باید محل پرداختن به مسائل واقعی باشد



ابوالفضل مفاهزی
دبیرشور دانشگاه

دوم آذر سال ۶۷ کمی پس از پایان هشت سال جنگ تحمیلی پیر جماران با صدور پیامی تأکید کرد که «بسیج باید مثل گذشته و بسا قدرت و اطمینان خاطر یسه‌کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروری‌ترین تشکل‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانش‌جویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییر‌ناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند.» این پیام سرآغاز شکل‌گیری دفاتر بسیج در دانشگاه‌های کشور شد که اکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین تشکل‌های دانشجویی به شمار می‌روند. این تشکل‌ها هم‌ساله در ابتدای آذرماه، با برگزاری اجتماعی بزرگ ضمن تجدید عهد پیمان با آرمان امام و انقلاب برای حضور مؤثر در فعالیت‌های دانشگاهی برنامه‌ریزی می‌کنند. اتفاقی که در سال‌های اخیر به شکل متفاوتی در «پیشگامان رهایی» صورت پذیرفته؛ نگره‌ای سراسری که امسال با حضور ۱۵۰۰ نفر از مسئولان بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشور در قالب ۱۳ کارگروه به میزبانی دانشگاه تهران برگزار شد و در طول برگزاری آن ۴۲ نشست تخصصی با حضور پژوهشگران، نمایندگان مجلس و مدیران و مسئولین بخش‌های مختلف دولت برگزار شد. محمد نایب حقیقی، دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور در گفت‌وگو با «فرهنگستان» با بیان اینکه دوره پیشگامان رهایی چندسالی است در فضای بسیج دانشجویی، هم‌زمان با سالروز تأسیس بسیج دانشجویی، طلبه و صدور پیام حضرت امام، برگزار می‌شود، تصریح کرد: «تفاوتی که در یکی، دوسال اخیر ایجاد شده و امسال سومین سال اجرای آن به شیوه جدید بود، این است که در بستر بسیج دانشجویی، علاوه بر رویدادها و مراسمی که به‌صورت مرسوم برگزار می‌شود، یک روز را به مراسم شلشن دانشجویان دانشکده‌های تخصصی با مسالن اصلی کشور اختصاص می‌دهیم.»

نایب حقیقی افزود: «چند سال پیش، مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل‌های دانشجویی در ماه مبارک رمضان فرمودند که «با مسالن اصلی کشور مماس شوید و این مسالن را در دستور کار خود قرار دهید.» از همان زمان، اعضای بسیج دانشجویی به این ندآ لبیک گفتند و در بخش‌های مختلف آن را ظهور و بروز دادند. یکی از جلوه‌های این رویکرد، همین دوره یعنی گردهمایی سالانه پیشگامان رهایی است. «دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور در توضیح جزئیات برگزاری گردهمایی سالانه پیشگامان رهایی گفت: «در این برنامه، مسئولان بسیج دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها-اعم از آقایان و بانوان- به مدت دو روز جمع می‌شوند و در رابطه با مسالن اصلی کشور تبادل نظر می‌کنند.» این فعال دانشجویی در ادامه با اشاره به برگزاری سه بخش رویداد امسال، اضافه کرد: «در برنامه اخیر، روز ۲۹ آبان ماه، سه جلسه اصلی برای دانشجویان برگزار شد؛ یک جلسه با جامعه اندیشگاهی، یک جلسه با اعضای کمسیون‌های تخصصی مجلس متناسب با رشته‌های تخصصی دانشکده‌ها، و یک جلسه با کارگزاران نظام یعنی معاونان وزرا، وزرا و دستگاه‌های حاکمیتی که در حل مسالن

اصلی کشور فعالنند.» نایب حقیقی افزود: «شرکت‌کنندگان در قالب ۱۳ کارگروه تخصصی تقسیم‌بندی شدند و هر کارگروه سه جلسه برگزار کرد و در مجموع ۴۲ جلسه در یک روز شکل گرفت.» دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور به شعار رویداد امسال یعنی «پیشگامان رهایی؛ پرچمداران ایران قوی» اشاره کرد و ادامه داد: «دغدغه ما در این دوره «تحقق ایران قوی» بود؛ به‌ویژه پس از جنگ، این دغدغه هم برای جامعه ایجاد شد و هم از سوی مقام معظم رهبری مورد راهبری قرار گرفت و به‌عنوان گفتمان رایج مطرح شد. در دوره پیشگامان رهایی تلاش شد این موضوع پیگیری شود.» او در توضیح چرایی انتخاب شعار رویداد تصریح کرد: «ما با دو گفتمان مواجهیم که در تقابل با یکدیگرند؛ یک گفتمان که راحل را در تسلیم شدن در برابر جریان غرب‌گرا و آمریکا و هم‌پیمانان آن می‌داند و گفتمان دیگری که مقام معظم رهبری آن را هدایت می‌کنند و همان جریان پیشرفت است. در این جریان، راه حل پیشرفت کشور در مسیر قوی شدن دنبال می‌شود. رویکرد ما امسال، تمرکز بر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بود؛ به این «ما با دو گفتمان مواجهیم که در تقابل با یکدیگرند؛ یک گفتمان که راحل را در تسلیم شدن در برابر جریان غرب‌گرا و آمریکا و هم‌پیمانان آن می‌داند و گفتمان دیگری که مقام معظم رهبری آن را هدایت می‌کنند و همان جریان پیشرفت است. در این جریان، راه حل پیشرفت کشور در مسیر قوی شدن دنبال می‌شود. رویکرد ما امسال، تمرکز بر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بود؛ به این نخر که هریک از این ۱۳ کارگروه، متناسب با مسالن خود، سراغ عوامل تولیدکننده قدرت یا موانع موجود بر سر راه قوی شدن ایران رفتند و با این نگاه به مسالن کشور پرداختند.» دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور دانشگاه را به عنوان نقطه آغاز پیگیری حل مسالن کشور و دستیابی به ایران قوی معرفی کرد و افزود: «از نکات مهم دیگر مدنظر امسال این بود که برای پاسخ به دغدغه رسیدن به ایران قوی باید یک نقطه آغاز داشته باشیم؛ این نقطه، دانشگاه است. به همین دلیل، علی‌رغم اینکه سال‌های گذشته که یکی از دغدغه‌ها حضور دانشجویان در دستگاه‌ها بود، امسال رویکرد متفاوتی اتخاذ شد و دانشگاه تهران به‌عنوان پایلوت یک «دانشگاه قوی» انتخاب شد. این دانشگاه قوی قرار است به مسالن اصلی کشور بپردازد.» نایب حقیقی با اشاره به حواشی برگزاری هفته طراحی در دانشگاه تهران، ادامه داد: «در همین مدت اخیر، در دانشگاه تهران اتفاقاتی رخ داد بازتاب رسانه‌ای آن، تصویر فضای دانشگاه‌های ایران را فضایی مبتذل و دچار ولنگاری فرهنگی نشان می‌داد. در مقابل، شرکت‌کنندگان در برنامه روز پنج‌شنبه نشان دادند که تصویر واقعی دانشگاه ایران و دانشگاه انقلاب اسلامی، همان تصویری است که در آن، دانشگاه محلی برای حل مسالن اصلی کشور است؛ تصویری که در آن دانشجویان به جای تمرکز بر نامستهله‌ها و مسالن حاشیه‌ای و فرعی، توجه خود را به مسالن اصلی معطوف کرده و در پی حل آن‌ها هستند.»

دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور تأکید کرد: «این حرکت، پیامی برای کسانی بود که دانشگاه را ابزاری برای پرداختن به مسالن حاشیه‌ای و غیرضروری می‌دانند. ما خواستیم با صدای بلند اعلام کنیم دانشگاه باید محلی برای پرداختن به مسالن واقعی باشد و اگر خواهیم به ایران قوی دست یابیم، نیازمند دانشگاه قوی هستیم.» او در پایان خاطر نشان کرد: «اگر بخواهیم دانشگاه قوی داشته باشیم، باید مسالن اصلی کشور در اولویت فعالیت‌های دانشگاه‌ها قرارگیرد. این مهم زمانی محقق می‌شود که دانشکده‌های تخصصی، هر یک در حوزه تخصص خود، اولویت‌ها و مسالن حوزه خود را شناسایی و پیگیری کنند.»